



یادداشت های ضروری بمناسبت روز استرداد استقلال

28 اسد 1396 مطابق 19 اگست 2017 م

آمادگی های گسترده مردم در مرکز و ولایات بخاطر تجلیل از روز استقلال ، بازتاب نوستالژیک یا گرایش به گذشته و مبین اراده ملی برای دستیابی به استقلال واقعی در شرایط کنونی میباشد .
انجمن حقوقدانان افغان در اروپا مقدم از همه این روز ارزشمند را به مردم غیور ، صبور ، مقاوم و آزادی دوست افغان مبارک میخاهد و با نشر این سند ، از دیدگاه مسلکی و به ایجاز به موارد پر اهمیت بخدمت هموطنان عزیز تقدیم میدارد که اراده مشترک بسوی استقلال واقعی را مساعدت نمایند .
در گام نخست تذکر این واقعیت تاریخی ضروری پنداشته میشود که بلاثر اراده همگانی و جانبازی و فداکاری اجداد و نیاکان غیور ما ، افغانستان در طول تاریخ هیچگاهی مستعمره نبوده و موقف تحت الحمایگی (پروتکتورات) که از اثر معاهدات استعماری بر افغانستان تحمیل گردیده بود ، با اعلام استقلال و در نتیجه جانثاری آزادیخواهان ملی در جنگ استقلال ، با عقد (پیمان صلح راولپندی) امپراطوری بریتانیای کبیر استقلال کامل سیاسی افغانستان را برسمیت شناخت که در (19) اگست (1919 م) که مصادف به (28) اسد میشود توسط شاه امان الله تایید و امضا گردید و در بیانیه معروف که در همان روز این ناجی و سمبول استقلال در مسجد عیدگاه ایراد کرد این روز را بحیث روز استقلال اعلام نمود .
بهترین نحوه تجلیل از این روز سترگ و تاریخی این خواهد بود تا درس های ارزشمند آنرا بیاموزیم و درک دقیق از این داشته باشیم که :

چگونه استعمار را شکست دادیم و چرا مغلوب « استعمار » شدیم
که عمده ترین آنرا بر میشماریم :

__ احرار استقلال سیاسی در گام نخست محصول همبستگی ملی تمام اقوام با هم برادر و برابر و تبارز وحدت و وفاق ملی بخاطر خواست مشترک و در برابر دشمن مشترک بود .

__ احرار استقلال سیاسی در اثر مبارزه و انسجام پیشآهنگ آگاه و استقلال طلب (مشروطیت اول و دوم) میسر گردید .

__ احرار استقلال سیاسی مرهون فکر و اندیشه استقلال خواهی ، آزادی ، احقاق حقوق مردم و نوگرایی مشروطه خواهان میباشد .

با احرار استقلال سیاسی اولین قانون اساسی در افغانستان نافذ و دولت ملی و مدرن اساس گذاری گردید و آزادی و برابری تمام مردم تسجیل و ارجحیت قانون مطرح و ملاک عمل دولت قرار گرفت .

بدینرو جایگاه روز استقلال باید در مبارزه تاریخی علم و جهل و در جدل تاریخی سنت و مدرنیسم که با شمس النهار آغاز یافته بود ، مشخص گردد .

پس جا دارد تا پدران معنوی ما و بنیاد گذاران و رهبران مشروطیت را حرمت نماییم و سمبول استقلال ، آزادی و شاخص ترین نماد نوگرایی و ترقی ، شاه امان الله را احترام و آرمان والای او را گرامی و بمثابه رسالت روشنگرانه دواوم بخشیم .

درک دقیق تاریخی بما کمک مینماید تا دریابیم که چرا و به تحریک کی ها ، ملای لنگ بمثابه دشمن قانون و دولت ملی ، انفاذ قانون اساسی و اصلاحات مترقی را تکفیر و با پیروزی حبیب اله کلکانی ملغی گردید و طی یک قرن و همین اکنون نیز ذهنیت تکفیری تمامیت خواه در وجود زشتترین اشکال بنیادگرایی « اسلامی » ، دشمنی شانرا با قانون و بنیاد یک دولت ملی و مدرنیسم دوام میدهند .

در حالیکه مقدرات تاریخی ما بدست بیگانگان رقم میخورد ، باید بدون احساسات کاذب و بدور از شعار و به اتکا به عقلانیت سیاسی و واقع بینی ، جایگاه افغانستان را بمثابة کشور مصیبت زده طراز استبداد آسیایی و جهان سومی « که تراژدی آن معلول و محصول مداخلات گسترده خارجی است و طولانی ترین جنگ بر آن تحمیل گردیده و نظام سیاسی و روابط بین المللی آن در چوکات نظام بین المللی و در دور جدید « بازیهای بزرگ » و رقابت جنون آمیز جیوپولوتیک بازیگران حریص و سیطره جو ، شکل میگیرد ، تعریف نماییم .

مفهوم استقلال سیاسی کثیرالجوانب و در دید مدرن با استقلال اقتصادی و ارزشهای جهانی ، حاکمیت ملی ، حقوق شهروندی ، حقوق بشر و توسعه آزادی بمثابة یک کل مرکب مطرح است :

در یک دید محتاطانه و ارزشی به مفهوم استقلال میتوان خاطر نشان ساخت که حاکمیت ملی بر طبق قانون اساسی و موازین قبول شده حقوق بین المللی مندرج در میثاقهای مصوب سازمان ملل متحد ، به مردم تعلق دارد و با تاسف این اصل به اثر عوامل زیاد داخلی و بیرونی مصدوم گردیده و حتی در یک مداخله وزیر خارجه قبلی امریکا « سخاوتمندانه » میان دو گروه رقیب و پیشتاز انتخاباتی ، بدون توجه به رای ملیونها شهروند افغان « تقسیم » گردید . پس احیای حق حاکمیت ملی بمثابة پیش شرط صحبت به استقلال سیاسی مطرح میگردد .

افغانستان مدتهاست که به قبرستان ارزشهای بشری مندرج در اعلامیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مبدل گردیده و آماج جنایات علیه بشریت ، جنایات جنگی و ضد بشری و جینوساید میباشد و همه روزه در تمام کشور جنایتکاران تروریست طالب ، داعش و ... کریلا ، صبرا و شطیلا را به قیمت کشتار اهالی ملکی ، تکرار مینمایند و در نتیجه حق حیات مردم با تهدید جدی مواجه میباشد ، ولی جنایتکارانیکه جرایم بین المللی را مرتکب میگردند در خانه های امن در پاکستان و درین اواخر در ایران بی ترس و هراس زندگی مینمایند . هیچ محکمه در افغانستان و جهان نمیتواند عساکر امریکایی را که بدفعات جرایم جنگی را مرتکب شده اند ، تعقیب و محاکمه نماید .

آزادی و حقوق شهروندان با مخاطرات جدی مواجه است و مجموع مردم در گرو چند صد زورو، زر سالار و قانون ستیز اسیر میباشد ، طاعون فقر (تا شصت فیصد زیر مرز فقر) مهاجرت و بیجا شدن کتلوی ، تاراج معادن و غنایم ملی و ... دهها عامل دیگر بازتاب حقیقت تلخ زندگی مردم را میسازد .

دوام و تشدید جنگ خانمانسوز افغانستان را از حق گذار بشاهراه ترقی محروم میسازد و تلاش در جهت قومی و مذهبی ساختن جنگ کشور را بطرف سوریه و یوگو سلاویا شدن می کشاند .

تداوم دولت فساد و فقدان حاکمیت قانون از مردم به قیمت خون فرزندان شان قربانی میگیرد .

با آنچه به ایجاز تذکار یافت ، منصفانه خواهد بود تا بر مبنای حب الوطن من الایمان ، بدور از حب و بغض و سلامت و ملامت ، بحساب آسیب شناسی ، مطرح نماییم که متأسفانه فرسخ ها با استقلال واقعی فاصله داریم .

هرگاه صادقانه میخواهیم تا روز استقلال را گرامی بداریم ، باید از روز (28) اسد بمثابة روز تجدید پیمان بخاطر پاسداری از ارزشهای والای متذکره باشیم که متضمن و مکمل استقلال واقعی میباشد . یک دولت ملی که حاکمیت قانون ، دیموکراسی و عدالت را ملاک عمل قرار دهد و بر قوای مسلح ملی و غیر تنظیمی و قومی متکی باشد ، خواهد توانست بپرق سه رنگ ملی افغانستان را بمثابة منبع افتخار و پیوند ملی هر شهروند آزاد افغان و اقوام با هم برادر و برابر ، در کوهپایه های وطن واحد و سرزمین مشترک سرافراز نگهدارد و در سیاست خارجی و روابط بین المللی منافع کشور را با اراده آزاد، جرئت و شجاعت تمثیل نماید.

با احترام

هیات اجراییه انجمن انجمن حقوقدانان افغان در اروپا